



عدای از کشاورزان کرد قریه مامش «خانه» که برای تشکر و همچنین هماهنگی با خشمی خاک و خون بدفتر روزنامه آمدند

شکایت کشاورزان قریه مامش

بعلت کم آبی برعبارت و سختی زراعت میشود و اصولاً قسمتی مهم از اراضی بهمین علت بی آبی تحت کشت قرار نمیگیرد و بی استفاده میافتد ولی مالک بهمان میزان زمینهای تحت کشت از این قسمت نیز که عاقل و بیکار افتاده وجه الاجاره مضاعف دریافت میدارند فعالیت کشاورزی در این منطقه بعلت کوهستانی بودن و نامساعدی هوا از زیاده برف و یخبندان در تمام مدت سال پیش از پنج ماه نیست در صورتیکه در جاهای دیگر از جمله سلدوز حداقل ۹ ماه از سال را مردم بفرات خاطر بکار و کوشش میبرند و شاهد این گفتار فعالیت فعلی کشاورزان مجال سلدوز است که از چندی قبل آغاز نموده اند و لسی بدبختانه در منطقه لاهیجان مامش اکنون بیشتر از بیست و پنج الی سی سانتی برف در دشت و خیلی بیشتر از آن در اراضی دیمی است و حداقل دو ماه و نیم بعد از این بتدریج امکان فعالیت کشاورزی مقدور میگردد .

۲ - ماموران اصلاحات ارضی بدون تحقیق و بررسی مقررات جاری و عرف محل و بدون توجه باظهار نظر و رضایت زارع و بدون روی و در نظر گرفتن کیفیت انواع زمینهای مزروعی اعم از دیمی و آبی و موج (زمین یا آب مخصوص) منحصر با ثباتی و جانبداری از منافع مالک وجه الاجاره گزاف و کمزگن را تعیین نموده اجبار بوصول آن مینمایند .

۳ - در سال جاری مالکان با توسل به حیل و تزویر این وجه الاجاره مضاعف و ظالمانه را از بقایای محصول و فروش گاو و گوسفند و اموال منقول کشاورزان ستم دیده قریه پسوه وصول کرده اند و ازرستاهای قراء دیگر بترتیب دوران سیاه فتودالی بهره مالکانه وصول نموده اند و بهر کدام رسماً اعلام داشته حتی با کراهت و اجبار و ادار با مضای مدارک نموده اند که خود را آماده نمایند تا در سال آینده بهمیزان قریه پسوه وجه الاجاره بپردازند .

۴ - ماموران اصلاحات ارضی قسمت اعظمی از اراضی دیمی را بدون هیچگونه دلیل موجهی بعنوان آبی برای کشاورزان بدبخت محسوب داشته اند .

۵ - ماموران اصلاحات ارضی مقداری زمین تحت کشت و عمل هر زارعی را بیش از اندازه واقعی آن قلمداد کرده اند که زارع بیچاره باید وجه الاجاره گزافی آنهمه را بپردازد .

۶ - بجای هکتار (که جای کشت ۳۴۰ کیلو گندم است) بار اصطلاح محلی را که جای کشت یکصد و شصت کیلو گندم است واحد مساحت قرارداد در مقابل وجه اجاره را بباخذ هکتار تعیین نموده اند و ما را مجبور بپرداخت آن مینمایند در صورتیکه مقدار زمین کمتر از آنست که میبایستی در اختیار ما قرار گیرد .

حاصل سخن اینکه منافع مادی مالکانه منطقه لاهیجان مامش نه تنها با اجرای قانون اصلاحات ارضی دیناری کمتر از دوران پیشین نشده بلکه بسیار بهتر و سود آورتر نیز شده است زیرا بی- العمل مالک قریه پسوه هرگز بمر خود در آمد صافی بهمیزان وجه- الاجاره سال جاری دریافت نکرده است پس باین ترتیب آنچه در این میان از هستی مادی و معنوی ساقط شده و سیه روز تر گردیده است زارع بیگس و بی پناه میباشد و پس .

با تقدیم احترامات فائقه نماینده زارعین لاهیجان مامش مرزخانه استان آذربایجان غربی .

۱- مصطفی خالدی ۲- اسمعدرسی ۳- مراد ارمنندی ۴- سید محمد امین صبری ۵- سیدرحمن محمدی ۶- اسمعیل رستگاری ۷- عبدالله مرادی ساکنین قریه پسوه ۸- حاجی عزیززی ۹- صالح عصامی ساکنین قریه گرتکسیان ۱۰- محمد حسینی ۱۱- محمد شریفی ساکنین قریه کیله سیان ۱۲- رحمن عبداله محمدی ساکن قریه سرین جایاد ۱۳- حسن کرمانج ساکن قریه ابلس ۱۴- رحمن چیه ۱۵- رسول عزیززی ساکنین قریه اشورنگ ۱۶- محمود محمود- زاده ساکن قریه هواده بی ۱۷- غلامقلندری ساکن قریه کندره ۱۸- قادر نادری ساکن قریه برکمران .

چاپ بورس

خیابان سوم اسفند خیابان مباشرت کوی بخت شماره ۷
تلفن ۳۳۹۵۰

۸۰۷۸ م الف
آگهی تمديد مناقصه شماره ۱۹۴۴
اداره کل کاربردازی وزارت پست و تلگراف و تلفن با اطلاع علاقه مندان به شرکت در مناقصه شماره ۱۹۴۴ مربوط بخريد یک دستگاه فرستنده ۱۰ کیلوواتی FM میرساند تاریخ مناقصه مذکور از ۱۳۴۴/۱۲/۲۴ به ۱۳۴۴/۱۲/۲۴ اصلاح میگردد سایر مفاد شرایط مناقصه بقوت خود باقی است .
۲-۱ ۲۶۶

۷۸۷۱ م الف
آگهی دعوت بستانکاران با اخطارات لازمه
بموم بستانکاران آقای علی ماهوان بازرگان ورشکسته مقیم بازا داشتگاه موقت شهر بانی کل که حکم توقف او در تاریخ ۱۳۴۴/۸/۱۰ صادر شده و توقفا او از تاریخ ۱۳۴۴/۸/۱۰ اعلام گردید آگهی میدهد اولین جلسه بستانکاران در ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۱۳۴۴/۱۲/۲۴ در اداره تصفیه تهران تشکیل میشود کلیه بستانکاران و کسانی که ادعائی دارند و همچنین کسانی که باورشکسته مزبور مسئولیت تضامنی دارند یا ضامن او هستند میتواند در ساعت در روز مذکور در اداره تصفیه حضور بهمیرسانند .
ضمناً اخطار میشود .
یکم کلیه بستانکاران و کسانی که هر گونه ادعائی دارند باید اصدال یا رونوشت مدارک خود را در ظرف دو ماه از تاریخ نشر این آگهی با اداره تصفیه تسلیم نمایند . مدت ارسال مدارک برای بستانکارانیکه در کشورهای بیگانه اقامت دارند سه ماه میباشد .
دوم - کسانی که بورشکسته نامبرده بدهی دارند باید ظرف مدت نامبرده خود را معرفی و بدهی خود را در وجه صندوق اداره تصفیه بپردازند . طبق ماده ۲۴ قانون تصفیه بدهکاران متخلفان از این وظیفه بجزیمه نقدی معادل صدی - بیست و پنج دین محکوم خواهند شد . بعلاوه دادگاهها میتوانند علاوه بر جزیمه نقدی بدهکاران مذکور را بزندان تادیبی از سه تا شش ماه نیز محکوم نمایند .
سوم - کسانی که بهر عنوان اموال ورشکسته نامبرده در دست آنها است در ظرف مدت دو ماه مذکور باید همان اموال را تحت اختیار اداره تصفیه بگذارند و اگر نه هر حقی که نسبت بان دارند سلب خواهد شد مگر اینکه عندموجهی داشته باشند.

رئیس اداره تصفیه امور ورشکستگی تهران
۲-۲
۲۳۳-آ

نمایندگان خاک و خون در شهرستانها
اهواز - خیابان پهلو یاساز عیاری - آقای حسین عطوان
آبادان - خیابان پهلو ی - آقای سازش
خرمشهر - آقای مجید سالمی
مسجد سلیمان - آقای امینی
رامهرمز - آقای یداله داوری
آغا جاری - آقای معصوم علی نجفی
هفتکل - آقای رضا عبیدی
گچساران - آقای حافظ کیوانی
شوش - آقای محمد علی بقالسادات
خلف آباد - آقای شریفی
شادگان - آقای قمی
بندر معشور - آقای نوروزی
پاوه - آقای باقر کاظمی
گرگان - آقای فخر قنات آبادی

پارازیت

ندانند که خسارت دولت عراق از سر بازان و افسران چند است و هر روز چند تا کمین آتش میگیرد و چند تانک منفجر میشود ، بر «رادپوی» کردستان جنوبی يك تشویش (پارازیت) گذاشته است که يك تواریخیکانه بنام (هانی هانی) میباشد . این پارازیت نه تنها مانع از شنیدن « پخش کردی ارتش نجات بخش » میباشد ، بلکه مانع از های رادیوهای مختلف (لندن - واشنگتن - سوئدی - آرمینیا - لبنان - کردی عراق - غیره) میباشد . آیا در قوانین بشری و سنن شورای ملل کسی حق دارد ، زبان دیگران را از ناله و فریاد منع بکند؟ آیا کسی حق بر سلطنت « فضا » را دارد ، که « پارازیت » بر رادیو های مختلف بگذارد؟ آیا سفارت های این دولتها ، که در تهران ، یادر بنسداد پسا در دمشق ، میباشد ، تا حال این حقیقت را بدولت های خود اعلام کرده اند که « پارازیت » عراق ، از ساعت هشت صبح تا صبح از ساعت ۱ بعد از ظهر تا ساعت ۲ بعد از ظهر ، از ساعت ۴ تا ساعت ۵ و از ساعت ۷ تا ساعت ۹ ، شوندهگان را از اخبار رادیوهای ایشان که بر موجهای (۴۱- تا ۶۰) پخش میشود محروم میکند ؟

۸۰۸۳ م الف
۶/۱۵۲۷۵
۴۴/۱۱/۲۳
آگهی

طبق نامه مورخه ۴۴/۱۰/۲۸ به پیوست صورتجلسه مجمع شرکاء مورخه ۴۴/۱۰/۲۸ شرکت محسبات با مسئولیت محدود منحل گردید و آقای پروین صاحب بریامند و آقای شانسنامه شماره ۱۳۰۶ صادر از مهلباد بسمت مدیر تصفیه شرکت انتخاب گردید محل تصفیه و نشانی مدیر تصفیه بازار سرای بوعلی طبقه دوم اطاق شماره ۴۹ تعیین گردیده است و بنا بر اظهار اموال شرکت در اختیار مدیر تصفیه میباشد .

مراتب طبق مقررات ثبت و برای اطلاع عموم آگهی میگردد .
از طرف رئیس اداره ثبت شرکتهای و مالکیت صنعتی . مهدی نراقی
۲۴۵-آ

۸۰۸۹ م الف
۶/۱۵۴۵۳
۴۴/۱۱/۲۵
آگهی تغییر محل شرکت مهندسی و بازرگانی الصبیح با مسئولیت محدود

طبق نامه مورخه ۴۴/۵/۱۸ به پیوست صورتجلسه مورخه ۴۴/۵/۱۸ شرکت مهندسی و بازرگانی الصبیح با مسئولیت محدود محل شرکت به خیابان شریکاشی ۱۴۲ انتقال داده شد .
مراتب طبق ماده ۲۰۰ قانون تجارت به ثبت رسیده جهت اطلاع عموم در روزنامه رسمی و یکی از جراید کثیرالانتشار یومیه تهران آگهی میشود .
از طرف رئیس اداره ثبت شرکتهای و مالکیت صنعتی - مهدی نراقی
۲۴۵-آ

۸۰۰۴ م الف
۱۳۴۴/۱۱/۲۳
۴۵۱۱۰۱۸
آگهی از شرکت سهامی تلفن ایران

شرکت سهامی تلفن ایران از هر گونه ناراحتی که در نتیجه برگردان کابل طوما متوجه مشترکان محترم میشود قبلاً تاسف خود را ابراز داشته و بدینوسیله با اطلاع میرساند ، قسمتی از کابلهای منطقه زیر ،
۱) شمالاً به ضلع جنوبی و رز شگاه شماره ۳
۲) شرقاً به خیابان شهناز
۳) جنوباً به کوچه ملک محمدی

۴) غرباً به خیابان پرواز و کوچه حاجی آهنگر
بعلت ضرورت فنی از تاریخ ۲۵ بهمن ماه برگردان میشود و ناگزیر اختلالاتی بسمت ۴۸ ساعت در ارتباط تلفنی مشترکان

سرکار بانو مظاهری رئیس ارزشمند دبیرستان گواشیر بنام يك پدراز سرپرستی و دلسوزی شما و دبیران محترم نسبت به امور درسی و اخلاقی دانش آموزان دبیرستان گواشیر سیاستگذاری نموده آرزو دارم همواره در راه هدف مقدسیکه در پیش دارید توفیق یافته و نوباوگانیکه در تحت نظر شما دانشمندی آموزند زنان پارسا و ایران پرستی برای آینده باشند .
ابوالفضل فلاح



شرکت ملی نفت ایران آگهی مناقصه

شرکت ملی نفت ایران تعداد هشتاد و هشت تخته حصیر برای آبادان و بیست و هشت تخته برای اهواز از طریق مناقصه عمومی خریداری مینماید .
۱ - علاقه مندان میتوانند برای دریافت برگ مشخصات و شرایط مناقصه در تهران به خیابان تخت جمشید ساختمان مرکزی شرکت ملی نفت طبقه ۱۱ اداره خرید مراجعه نمایند .
۲ - سپرده جهت شرکت در این مناقصه مبلغ شصت هزار ریال برای هشتاد و هشت تخته و بیست هزار ریال برای بیست و هشت تخته میباشد که باید معادل آن اسناد خزانه در تهران بصندوق شرکت ملی نفت ایران تسلیم و رسید دریافت گردد .
۳ - کلیه پیشنهادات باید روی برگ مخصوص شرکت در مناقصه تنظیم و با تضمین رسید رسیده در پاکت های لاکمهر شده با قید عبارت مربوط بمنافصه حصیر حداکثر تا آخر وقت اداری روز شنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۴۴ در تهران ساختمان مرکزی شرکت ملی نفت طبقه ۱۱ اطاق شماره ۱۱۰۷ تسلیم و رسید دریافت گردد .
۴ - پیشنهادات واصله ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۱۵ اسفندماه ۱۳۴۴ کمیسیون معاملات شرکت واقع در طبقه ۱۲ ساختمان مرکزی شرکت ملی نفت باز و قرائت خواهد گردید - حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه اجازت است .
۵ - به پیشنهادات مبهم - مشروط و به پیشنهاداتی که با شرایط مندرج در آگهی و شرایط و مشخصات مناقصه مغایرت داشته باشد یا بعد از مدت مقرر برسد مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد .
۶ - شرکت ملی نفت در رد یا قبول يك و با کلیه پیشنهادات واصله بدون آنکه محتاج بذکر دلیل باشد مختار است .

آگهی استخدام

داوطلب خلبانی

هوایمائی ملی ایران برای تکمیل کادر خلبانی خود تعدادی از جوانان علاقمند به فن خلبانی را که واجد شرایط زیر باشند از طریق مسابقه و آزمایشات لازم استخدام و برای فرا گرفتن فن خلبانی تجارتي به آمریکا اعزام میدارد .
الف - شرایط
۱ - تابعیت ایران
۲ - سن بین ۱۹ تا ۲۵ سال
۳ - داشتن دیپلم کامل متوسطه (طبیعی - ریاضی ادبی)
۴ - داشتن سلامت کامل جسمانی و روانی
۵ - آشنائی بزبان انگلیسی
۶ - سیردن تمهد بمنظور عدم تاهل تا خاتمه دوره آموزش
ب - توانائی سیردن و تیفه ملکی بمبلغ شصت و هشتاد هزار ریال و تمهد انجام ۱۰ سال خدمت در هوایمائی ملی ایران .
داوطلبانیکه واجد شرایط فوق بوده و از عهده آزمایشات لازم و مصاحبه استخدامی برآیند بسمت دانشجوی خلبانی با حقوق ۶۰۰۰ ریال استخدام شده و پس از طی دوره مقدماتی در تهران برای يك دوره خلبانی بهزینه شرکت به آمریکا اعزام خواهند شد و بعد از گذراندن دوره تعلیماتی و اخذ گواهینامه خلبانی با حقوق ۱۲۰۰۰ ریال رسماً بخدمت شرکت در خواهند آمد و میزان حقوق آنها برابر مقررات افزایش خواهد یافت .
داوطلبان میتوانند شخصاً یا بوسیله پست سفارشی درخواست خود را با تعیین آدرس دقیق و فتوکپی آخرین مدرک تحصیلی و دو قطعه عکس ۴×۶ و يك برگ رونوشت شناسنامه تا آخر فروردین ماه ۱۳۴۵ بسمت استخدام کارگزینی هوایمائی ملی ایران واقع در خیابان سعدی کوچه بانك تجارت خارجی ایران تسلیم نمایند .

۴) غرباً به خیابان پرواز و کوچه حاجی آهنگر
بعلت ضرورت فنی از تاریخ ۲۵ بهمن ماه برگردان میشود و ناگزیر اختلالاتی بسمت ۴۸ ساعت در ارتباط تلفنی مشترکان

شرکت سهامی تلفن ایران
۲-۲ ۲۴۱-آ

صد گونه تماشا

زحمت تاریکی جهت عا برین میشود، بلدیته تهران برای رفاهیت عمومی تاموقعی که کارخانه چراغ برق عملیات خود را خاتمه دهد بوسیله چراغهای زنبوری که بفواصل نزدیک درمجاور مذکور نصب میگردد تنویر معا بررا تا مین خواهد کرد.

کفیل بلدیته - سر هنک بوذرجمهری

وقتی این خبر را خواندم دردل حسرت وافسوس بسیارخوردم که چراامداد آن روزگاران گذشته زندگی نمیکشیم؟ چرا شهرداری ما همان بلدیته سابق نیست و شهربانی همان نظمیه و دادگستری همان تدلیه، دیرین... زیرا هرچه دیگر مردم دردیکر گوشه و کنار این دنیا از وسائل تکنیک ونوسازی استفاده کرده اند وزندگی خود را توام با رفاه بیشتری ساخته اند، در اینجا غالب سازمانهای دولتی و غیردولتی وظایف خود را از یاد برده اند. حداقل اگر چهل سال پیش دیکهای برق حاج امین الضرب احتیاج به پاک کردن و تعمیر داشت مرحوم سر هنک بوذرجمهری که سپس سر لشکر هم شد مراتب را اعلام میکرد و چراغ های زنبوری را فراره مردم در شبهای تاریک میکشاند، اما حالا، تلفن قطع می شود، برق خاموش میگردد، هر روز عده ای بیل و کلنگ بدست خیا بانها و کوچوهارا درهم میشکافند ومثل جگر زلیخا، سینه ه کوی و برزن را شرحه شرحه میسازند، هیچ کس هم نیست بگوید، آخر این چه ظلم و ستمی است که روزگار مردم می آورد - بمحض اینکه اعتراضی وانتقادی هم بشود، یاد اهل اثبات انتقاد را میخوانند؛ و یا عا راجور جواب سرا بالا میدهند.

میگوید اینطور نیست، گذشته از آنکه خود شما هزاران مورد اثبات این نظر تماشاگر را دارید، شما را به تماشای صحنه دوم که داستان پاسخ پست مبارکه بردی است که چندین سال است بدنایال نصب صندوق پست برای محله ای که در آن زندگی می کند میگردد میبزم تا بداند که مسئولان ومتصدیان چهل سال پیش چگونه می اندیشند و این فنودالهای اداری اکنون چگونه در باره روابط خود و مردم اندیشه می کنند.

اکنون این شما و این صحنه دوم به نقل از ستون شکایات روزنامه اطلاعات (شماره ۱۱۹۱۰) که شماره بعدی شماره ای است که داستان بلدیته سر هنک بوذرجمهر را نقل نموده است:

صندوق پست!

« تلفن بعدی مربوط بود به آقای اولیائی از ساکنین خیابان زرشک که پنجسال است کار زندگی خود را رها کرده دنبال یک صندوق پست برای اهالی خیابان زرشک میدود و بالاخره از توجه اداره پست به تقاضای مردم ما یوس شده میگفت:

« اگر خاطر تان باشد، سالی است بنده مزاحم میشوم و از طرف اهالی خیابان زرشک تقاضای نصب یک صندوق پست را تکرار می کنم »

گفتم: راستی شما تا بحال موفق نشده اید برای خیابان زرشک یک صندوق پست دست و پا کنید؟ گفت:

« نه تنها موفق نشده بلکه آخرین بار بمن جواب دادند بروصندوق پست را از روزنامه اطلاعات بگیر حتی قبل از این جواب قاطع یکی دوبار در پاسخ مطلب من بروزنامه جواب دادند که صندوق در محل نصب شده! »

گفتم: گمان نمیکند با این صراحت شما را نا امید کرده باشند اگر چنین چیزی گفته باشند حق این بود که شما در جوابشان می گفتید، اگر قرار بود روزنامه اطلاعات برای مردم صندوق پست نصب کند، دیگر احتیاجی بوجود پست خانه نبود آنرا منحل میکردند و سروصدای مردم هم از وضع دردم برهم نامدرسانی و پست بلند نمیشد که بالنتیجه در درس گفتگوی تلفنی اطلاعات بیشتر شود. گفت:

« اگر ایندفعه هم باین خواست اهالی توجه نشود باز هم همان حرف را زدنمهم همین جواب را خواهم داد »

آنها که باید

بمیرد...

صحنه سوم - در ردیف خبرهای شهرستانها خواندم که:

تا ۳۰۰ ریال «ویزیت» دریافت میشود

« از این پس بیماران که برای معاینه و معالجه و عکسبرداری به بیمارستان پورسینا رشت مراجعه میکنند، باید ازده تا دوست ریال «حق ویزیت» بپردازند.

خبرنگار مادر رشت اطلاع داد:

این دستور از طرف وزارت بهداشتی با اداره کل بهداشتی گیلان داده شد و اداره بهداشتی برای دریافت حق ویزیت از بیماران بیمارستان قبوضی مخصوصی چاپ کرده است.

بقرار اطلاع در آمد حاصله بمصرف ساختمان چندموسسه درمانی خواهد رسید.

معلوم نیست پس اینهمه مالیات مستقیم و غیر مستقیم، آشکار و غیر آشکار، بجای نا بجا را از مردم گرفته و زحمتکش این مملکت برای چه میگیرند؟

مردم شب و روز کوشش می کنند، در کشتزارها، در کارخانه ها، در زیر آفتاب گرم و سوزان تابستان و در سرمای سخت زمستان زحمت می کشند و رنج می برند، آنکه بطرق گوناگون از آنان مالیات گرفته می شود - برای چه؟ برای آنکه بتوانند حداقل از موهبات این سرزمین و این سازمانهای عریض و طویل برخوردار شوند. برای اینکه بتوانند از ابتدائی ترین حقوق انسانی که عسارت است از زنده بودن و کوشش برای ادامه حیات و فراهم ساختن حداقل موجبات ادامه زندگی برخوردار گردند - اما شام هر روز پس از روزی دیگر این حقوق اولیه و انسانی را از آنها سلب و مصادقه می کنند...

از این مردم زحمت کش و پابره بنما و این گوناگون مالیات می گیرید - بخاطر آنکه حداقل وقتی که با مرگ دست بگریبان هستند، وقتی که در چنگال بیرحم بیماری گرفتار شده اند آنها را یاری کنید و در بیمارستانها و درمانگاهها را بروی آنها باز کنید... اما، آنها که هرگز طعم نیازمندی و بیماری توام با نیازمندی را نچشیده اند نمی نشینند، ابتکار بخرج می دهند و مقرر می دارند که بیمارستانی دولتی بشرطی بیمار را بپذیرد که از بیست تا دوست ریال «ویزیت» بپردازد...؟ آنها بیمارستانی دولتی در شهر رشت، اینها نمیتوانند باور کنند آن مردم دردمند و بیسکری که به چنان بیمارستان دولتی میروند عموماً هرگز تسور دوست ریال پول نقد را در یک روز در جیب خود نیز نتوانند کرد، چه رسد به آنکه دوست ریال از بابت «ویزیت» به بیمارستان بپردازند...

بنابراین جز این نمیتوان استنباط کرد که بزعم طراحان چنین برنامه های درخشان؟! این گروه مردم که اکثریت قریب باتفاق مردم میهن ما هستند باید بمیرند!

صحنه آخر

آن واعظ، آقای هشیار (دبیر مخصوص) که از مردان ایران پرست و شاعران پراحساس میهن ما است شمری نیکو سروده است، دبیر مخصوص خود بدفت «خاک و خون» آمد و با بیان احساسات شورانگیز خود نسبت به «خاک و خون» آثاری چند از سروده های خود را در اختیار ما گذارد، امید است که بمرور بدرج آثار این مرد ایران پرست و هواخواه «خاک و خون» توفیق یابیم، اینک شمارا به تماشای واعظ بغداد!

واعظ بغداد!

شنبدم واعظی در شهر بغداد خدنگ تهمت و شنت بر آه بیخت همی گفتا که ایرانی است بی دین میندیش از شکوه و فرو جاهش که گاه دومین جنگ جهان سوز بجنگ اندر به سستی امتحان داد روا باشد کتون بروی بتازیم بدین سان واعظک در وعظ و گفتار

به بدگویی زما داد سخن داد عراقی را بکین ما بسر انکیخت ورا آتش پرستی باشد آیین مترس از لشکر وهنگ و سپاهش برو بیگانگان گشتند پیروز توانائی جیش خود نشان داد سنان کید و تیغ کین بیسازیم! به منبر هرزه رائی کرد بسیار

وزین ارجوزه هنگامه جوئی جواب گفته های نسا صوابش تو ژاژ واعظک نشینده پندار

شگفت آمد مرا زین یاهه گوئی شگفتا کس نداد اینجا جوابش یعنی گویند کای هشیار زنهار

خمشو بر گزین گر اهل هوشی جواب ابلیهان باشد خمشو

آموزش ملی

افزودن « بعنوان تنها وظیفه تعلیم و تربیتی وزارت معارف و یا فرهنگ و یا آموزش و پرورش شناخته شد و هنوز که هنوز است آموزش در این کشور معنا و مفهومی جز زیاد کردن و اداره کردن مدارس موجود ندارد. حال آیا این مدارس مفید است یا مفید نیست و تعدادشان نسبت به مراحل مختلف تحصیل تناسب دارد و یا ندارد، مطرح نیست و به همین دلیل هم اکنون پیش بینی می شود که در کشور دانشگاههای ایران قریب چهل هزار نفر در سال آینده شرکت خواهند جست و قریب به سه چهارم آنها محکوم بسرگردانی خواهند بود.

بارها گفته ایم برای پایان دادن باین مصیبت اولین قدم آن است که تصور خودمان را نسبت بمفهوم آموزش تغییر بدهیم. سنت و عادت ما بر اینست که آموزش را بمعنی یک امر معنوی و روحانی تلقی می کنیم و غایت مطلوب ما آنست که بتوانیم همه کودکان و جوانان را از این فیض معنوی برخوردار کنیم. بنابراین اولین مسئله برای ما آنست که بهمه خواندن و نوشتن، یاد بدهیم، این درست، بعد میخوایم هر کس کلاس اول است برود بکلاس دوم، از آنجا بکلاس سوم، بالاخره از دبستان بدبستان و از دبستان بدانشگاه و از آنجا بخارج، و عبارت دیگری ما این نیازمندی را تنها از یکسو برآورد می کنیم و آن هم از جهت تعداد کودکانی است که بمدرسه احتیاج دارند. در صورتیکه تصور صحیح آنست که این مسئله را از دو سو بررسی کنیم، یعنی بگوئیم راست است که هر کودک باید از حق تحصیل کردن برخوردار شود ولی تحصیل کردن هدف نهائی نیست بلکه مقصود از تحصیل آنستکه برای انجام شغلی مهم باغبان مهم مهارت پیدا کند

پس گذشته از آنکه آموزش لازم است چون موجودی هست که میتواند در معرض آموزش قرار گیرد دلیل دیگری هم برای لازم بودن آموزش وجود دارد و آن وجود شغل هائی است که باید افراد پس از آموخته شدن بدان مشغول شوند، مجموع این شغلها هست که چرخ کشور را بگردش درمی آورد و ملتی را بسوی هدفها و آرمانهایش حرکت میدهد.

پس لازمه بی بردن بمفهوم آموزش ملی آنست که در ابتدا به آرمانهای ملی خود وقوف داشته باشیم، در رأس آرمانهای هر ملت حفظ موجودیت و تمامیت و تامین رشد و ترقی قرار گرفته است منتهی باید دید که با شرایط خاص هر ملت رسیدن به همین هدفهای واضح و آشکار چگونه میسر است.

از تحلیل همین آرمانهای کلی است که هدفهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک ملت آشکار میشود و از تحلیل بعدی هر یک از هدفهای سیاسی و اجتماعی و غیره برنامه های کلی یک ملت بدست می آید و از روی برنامه معلوم میشود که نیاز کشور در آینده بچه گونه مشاغل است معلوم میشود که در آینده چند نفر طبیب، مهندس، حقوقدان، اقتصاددان و... و در مراحل بعد چند نفر کارمندان قنی، اداری و بالاخره چند نفر کارگر و کشاورز و غیره و غیره لازم داریم.

وقتی احتیاجات کشور از هر نظر برای مدت معین (مثلا بیست سال) تعیین شد آنوقت میتوان فهمید که بچه نوع مدرسی احتیاج داریم و از هر مدرسه بچه تعدادی نیازمند هستیم.

البته میدانیم که برای بررسی نیازمندیهای کشور از جهت رده های نیروی انسانی تاکنون کوشش هائی بعمل آمده است و جدید ترین این کوششها بوسیله کمیسیون مخصوصی که در نخست وزیری تشکیل یافته است معمول میگردد ولی نکته اساسی در همین جاست که این بررسی کار کمیسیون نیست، کمیسیون معمولاً تشکیلاتی غیر ثابت است که مطالبی را بررسی میکند و گزارش خود را می دهد و بر وجهه میشود. از آنجگونه گزارشها که اشخاص یا کمیسیونها و رسد سمینارها تهیه کرده اند بسیار هست که اکنون در گوشه یا مکانی هاشاک میخورد در حالیکه برای انجام همان مقاصد منظور هادستگاههای عریض و طویل با کارمندان بسیار در حال کار است.

اینکه ما معتقدیم باید بمفهوم آموزش را در اذهان خود تغییر بدهیم و آموزش شغل و برنامه جامع ملی را بطور تفکیک نپذیریم در نظر مجسم سازیم تنها یک نصیحت نیست بلکه مقصود ما آنست که اساس تشکیلات کشور در امر آموزش باید دچار تغییر اساسی شود و بر بنیاد پایه های استوار گردد، نه آنکه ما یک کمیسیون مرکب از اشخاص عالم مقام داشته باشیم که اینطور فکر کنند و پس از چندی بر چیده شود و یک وزارت آموزش و پرورش و دهها دستگاه آموزشی متفرق دیگر داشته باشیم که دائماً کار کنند ولی جهت گردش آنها بر مدار دیگری باشد.

اجرای هر فکر جدید نیازمند وسیله اجرایی جدید است وزارت آموزش و پرورش جدید هم تنها با تغییر نام وزارت فرهنگ به آموزش و پرورش پدید نیامده است، این همان وزارت معارفی است که روزگاری مردان خوش نیت، قدیمی احداث کردند تا یک عقده ملی ما که عبارت از نداشتن «مدراس جدید» بوده است معالجه شود. اکنون زمان، زمان دیگری است. امروز باید بین همه کارها یکیکه در حیات یک ملت در حال جریان است هم آهنگی دقیق برقرار کرد زمانی نیست که ما بسرعت دیپلمه تربیت کنیم و بعد توی سر خودمان بز نیم که اینهمه دیپلمه را چه کنیم.

اما نخستین قدم در راه پیاده کردن مفهوم آموزش ملی آنست که دستگاهی بوجود آوریم که تمام امکانات موجود در کار آموزش را در آن متمرکز سازیم. این دستگاه باید ثابت باشد چون مجری امر ثابت و مداومی است که آینده ملت ما بآن بستگی دارد. کمترین بهره تمرکز دستگاههای آموزشی آنستکه دست کم از دوباره کارهای بسیار جلوگیری خواهد شد و از آن گذشته پدید آمدن چنین دستگاهی نوید آنرا میدهد که سرانجام مرکزی بوجود آمده است تا دوباره سرنوشت و آینده این ملت یکجا بیاندیشد و یکجا تصمیم بگیرد.

درباره اینکه چه دستگاه هائی باید عملیاتشان تمرکز پیدا کند و دستگاه آموزش ملی چگونه باید کار کند در آینده باز هم بحث خواهیم کرد.

بمناسبت درگذشت آقای حسامی رئیس حسابداری شهرداری سقز بنمانندگی از طرف کارمندان شهرداری سقز مصیبت وارده را به سر کارستوان یکم ناصر حسامی تسلیت عرض نموده وسلامتی بازماندگان را از خداوند مسئلت دارد.

اسماعیل شهسواری نماینده روزنامه خاک و خون

دبیرستانها محبت ما

شاهپور



آقای محمدرضا سرکان قزوینی مرمی پیشاهنگی شهرستان شاهپور بعلت فعالیت در بر کناری جشن سالگرد ششم بهمن، از طرف اداره آموزش و پرورش شهرستان شاهپور کتبا تقدیر شده اند.

بروچرد

کلیه دانش آموزان دبیرستان مهرگان از وضع غیر بهداشتی کلاسهای درس و نداشتن وسیله ورزش بیش از هر چیز ناراحت هستند و از مقامات مسئول تقاضای رسیدگی دارند.

بروچرد

مسابقه بسکتبال بین سیکل اول دبیرستانهای پهلوی و محمدرضا شاه بعمل آمد و در نتیجه تیم دبیرستان پهلوی با ۲۷ امتیاز در مقابل ۲۳ امتیاز تیم دبیرستان محمدرضا شاه را مغلوب کرد.

در مسابقه والیبال بین دبیران و دانش آموزان سیکل دوم دبیرستان مهرگان، تیم دبیران پیروز شد.

عرصه زندگی بر شیعیان

از چهارده استان عراق ۹۸ درصد ساکنین استانهای کوث عماره دیوانیه - کر بلاحله و ناصریه و ۵۰ درصد ساکنین استانهای بصره دیاله و ۲۵ درصد ساکنین استانهای بغداد - کرکوک و موصل شیعی نشین می باشند. کردها در استانهای کرکوک، اربیل، سلیمانیه و دو فرمانداری از استانهای دیالی و کوث ساکن اند که در این استانها کردهای شیعه نیز سکونت دارند.

اقلیت عرب سنی مذهب در استان دلیم که شهرهای تابعه آن عبارت از رمادی، عانه، فلوجه، هیت، آلوسه میباشد و همچنین در دو فرمانداری سامراء و تکریت از استان بغداد و شهرستان موصل سکونت دارند.

در واقع از چهارده استان عراق تنها ۹ استان آن شیعی نشین و ۱۳ استان آن عرب نشین است این که از لحظه اول نوشتیم شیعی نشین و عرب نشین برای این است که عمال حکومت عراق شیعیان ساکن آنجا را با وجودیکه عده ای از آنها از زمانهای بسیار دور و از صدر اسلام در عراق سکونت داشته و دارند غیر عراقی میدانند و به همین دلیل و باتکیه با استدلال عوامل حکومتی عراق است که ما می گوئیم عراق یک کشور عربی نیست و باید حقوقا کثرت غیر عرب آن سرزمین که با پامال اغراض اقلیت حاکم میشود ملحوظ و محفوظ بماند. اگر جمعیت عراق را هفت میلیون نفر بدانیم چهار میلیون و نیم وبقولی ۵ میلیون نفر آن شیعه هستند و سرنوشت ۵ میلیون نفر را اقلیتی که از هشتصد هزار نفر تجاوز نمی کند در دست گرفته اند.

جنگ مذهبی و نژادی را که حکومت عراق در آن سامان دامن زده است در هیچ دوره ای از تاریخ نظیر آن را نمی توان دید، در دنیای امروز که جنگ نژادی و مذهبی راحل شده باید پنداشت شدیدترین نوع آن در عراق جریان دارد.

داستان جنگ نژادی که میان حکومت عراق و کردها درگیر است ترازدی و حشتناکی است که همه ملل جهان کم و بیش از آن آگاهند ولی از داستان جنگ مذهبی که باز میان حکومت عراق و اکثریت شیعیان آن سرزمین وجود دارد همگان بدستی و آگاهی کامل چیزی نمی دانند و صمیمت ما درباره همین جنگ مذهبی است که شیعیان عراق را از هستی ساقط کرده و عرصه زندگی را برایشان تنگ ساخته است.

با وجود آنکه استقلال عراق در پناه فداکاری شیعیان و فتوی علمای شیعی وجود آمد امروز همین بپا دارندگان کشور عراق بعنوان یک واحد مستقل از بیشتر حقوق اجتماعی محرومند و اکثریت شیعه مظلوم ترین طبقات هستند. شیعیان را در ادارات دولتی راه نمیدهند، در ارتش تنها در رده های سربازی پذیرفته میشوند و حداکثر ۲ درصد آنها در رده های افسری آنها تادرجات معین پیشرفت می کنند و بزودی بازنشسته میشوند از میان انبوه دانش آموزان و با سوادترین دانش آموزان میباشند تنها ۵ درصد در دانشگاه پذیرفته میشوند و با وجود این که بیشتر آنها در امتحانات کتبی قبول میشوند در امتحان شفاهی آنها مرود میکنند. به همین دلیل آنها که بضاعت مالی دارند برای تحصیل بشکوه های خارجی میروند و آنها فیکه بضاعت ندارند بکارهای آزاد مشغول میشوند.

دربازار بازرگان شیعی پروانه کسب نمی دهند و اگر با زحمت بسیار بازرگان شیعی بتوانند پروانه کسب بگیرد او را از داشتن پروانه واردات محروم می کنند. کاریکه برای یک تاجر سنی مذهب در ادارات دولتی یک ساعت وقت لازم دارد دهان کار برای یک بازرگان شیعی یکسال طول می کشد.

خوانندگان عزیز باید بدانند که این تبعیضها و مستمریهای عمال حکومت عراق تازگی ندارد، در زمان حکومت نوری السعید نیز همه گونه اجحاف و تبعیض شیعیان می شد، منتهی نوری السعید بظاهر سعی کرده بود که افرادی مانند فاضل جمالی - صالح جیوریو سید محمدرضا در کابینه شرکت دهد تا چنین وانمود کند که شیعیان نیز در حکومت عراق شرکت دارند.

در زمان عبدالکریم قاسم نیز با شیعیان نهایت بد رفتاری میشد تا اینکه نوبت بحکومت عبدالسلام عارف رسید. (بقیه دارد)

تحریکات کمونیست ها

انبوه گرسنگان در خور توجهی شایان است. عواملو ایادی چین کمونیست کوشش دارند حداکثر استفاده از شیوع گرسنگی بنمایند و در هنگامی که اکثر مردم در سراسر جهان از بروز قحطی در هند غمین و ندهکینند کمونیست های چین که خود را حامیان مردم ستمدیده و زحمت کش میدانند میکوشند از رنج و اندوه مردم گرسنه هند بفریب سیاست تجاوزکارانه خویش بهره گیری کرده و با ایجاد

اغتشاش و بلسوا در ایالات قحطی زده مقاصد شوم خود را عملی سازند. در روزهائی که دولت هند در تلاش جلب کمک کشورهای دیگر برای مبارزه با قحطی و گرسنگی بود کمونیست ها در میان مردم گرسنه دست به تحریکات دامنه داری زدند و آنان را بتخریب و آتش زدن بناها و موسسات شهرها و ادافتند و اکنون نیز تنها چین کمونیست است که از بروز قحطی در هند خوشحال است.

مناصبت درگذشت آقای حسامی رئیس حسابداری شهرداری سقز بنمانندگی از طرف کارمندان شهرداری سقز مصیبت وارده را به سر کارستوان یکم ناصر حسامی تسلیت عرض نموده وسلامتی بازماندگان را از خداوند مسئلت دارد.

اسماعیل شهسواری نماینده روزنامه خاک و خون

اسماعیل شهسواری نماینده روزنامه خاک و خون

اسماعیل شهسواری نماینده روزنامه خاک و خون

